

## جلسه چهاردهم قانون کلمه ۲

جلسه چهاردهم کلاس ثروت ایمان بانوی لطیف مقتدر  
قانون کلمه قسمت دوم با یاری خدا ،ائمه، نفس پاک  
بهترینهای جهان شروع می کنیم

+استاد جباری:سلام

\_شاگردان:سلام

+احوالتون چطوره؟

\_خیلی عالی +شما خودتون را در جهان هستی مهم  
حساب می کنید؟؟

\_خیلی+مچکرم ،توی چند جلسه کلاس ،از بازی دنیا  
خوشتان اومده؟

\_خیلی+مچکرم، احساس کردید چقدر جهان هستی  
بهتون عشق ورزی میکنه؟

\_خیلی زیاد + وقتی مهم بودن یک کلام یا حرکتتون را  
در جهان می بینید حیرت می کنی؟

\_خیلی

+از این به بعد این سوالها را با جواب بله.. این هیجان انگیزترین اتفاق عالمه، عاشق هستی بی نظیرم

خواستید خودتون توی خونه، آهنگینش کنین و سر تون را تکون بدید، بالا و پایین برید، پاهتون را بکوبید، نمی دونم هر حرکتی که میزانی سطح انرژیتون را بیاره بالا .

+باور کردی همه ی مسئله های اطرافت چیده می شوند برای قوی کردن تو

\_بله...این هیجان انگیزترین اتفاق عالمه، عاشق هستی بی نظیرم

+مچکرم

+باور کردی که کلمه های تو به اندازه ی انرژی که دارند، دارند زندگی تو را خلق می کنند؟

\_بله...این هیجان انگیزترین اتفاق عالمه، عاشق هستی بی نظیرم

+باور کردی که دیگر نمی خواهی آرامش عشق انرژی شادیت را دست دیگران جستجو کنی فقط فقط دست اعمال خودته؟ \_بله...این هیجان انگیزترین اتفاق عالمه، عاشق هستی بی نظیرم

+باور کردی که تمام جهان کمک توئه تا تو روز به روز قوی تر بشی؟ \_بله...این هیجان انگیزترین اتفاق عالمه، عاشق هستی بی نظیرم

+باور کردی ملائک، خدا، ائمه، همه ی هستی، از اعمال کلمه های تو مراقبت میکند محصول خودت را در زندگی جاری می کنند؟

\_بله...این هیجان انگیزترین اتفاق عالمه، عاشق هستی بی نظیرم

+باور داری بی اندازه حمایت میشی و فقط باید حواست به خودت و تولیدی اعمال خودت و کلمه ها در جهان باشی؟

\_بله...این هیجان انگیزترین اتفاق عالمه، عاشق هستی بی نظیرم

+خیلی مچکرم، بچه هایی که اینجایین کسی مثالی از کلمه داره شما هم که تو خونه اید فکر کنید کلمه های این هفته تون که ویا اینکه قبلا کار کردید روی چی ها کار کردید و چقدر دریافتی داشتید؟ کسی داره؟

\_من بگم؟

+بگو\_ این کلمه این که میگن بدرد میخوره من این را خیلی وقت دارم تمرین می کنم دیگه عادت کردم که میگم به کار میاد.

+آفرین

\_به دیگران هم تا میان این حرف را بزنند مثلا بگن آره این فلان چیز بدرد می خوره میگم نگید بدرد میخوره بگوئید به کار مون میاد

+مچکرم

\_ببین قبول می کنند این کلمه را خوشحال میشود خودمم هم احساس خوبی بهم دست میده ولی که این کلمه را میگم.

+احساس سلامت بیشتر دارید؟

\_بله بله. میگم اصلا خیلی آن چیز آن قدر که حرف می  
زنم درباره ی آن چیز خیلی بیشتر به کارم میاد.

+مچکرم تشویقش بکنید

\_تو هیجان انگیزترین اتفاق عالمی، عاشق تغییر کلامت  
هستم

+بسیار تشکر کسی دیگه مثال داره؟

\_منم بگم من بجای کلمه ی دستت درد نکنه خدا قوت  
دستت طلا را استفاده میکنم.

+آفرین\_اطرافیانم خیلی این توشون بیشتر شده این باعث  
شده که احساس میکنم که قوت توصفاتم و انرژی تو  
صفاتم بیشتر شده.

+اطرافیانم توشون بیشتر شده یعنی منظور از این کلمه  
ها بیشتر استفاده می کنند.

\_دقیقا دقیقا

+ باعث افزایش صفت و قوتت شده بسیار عالی تشویقش کنید

\_ تو هیجان انگیزترین اتفاق عالمی، عاشق تغییر کلامت هستم

+ یک نفر دیگر مثال

\_ صبحها من وقتی دارم ویس های شما را گوش میدم یک مدت به جای کلمه ی بد میگم ناخوب و بجای سخت هم میگم نا آسون بعد از اینها که استفاده می کنم ذکر لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم را با معنی و حتما هر روز مثلا تکرار زیادم را دارم یک شرایط مادی خیلی سختی برام پیش آمد یک جابجایی خیلی سنگینی داشتم و این حس کردم که این کارها را دارم که انجام میدم با قوه ی خداوند اینکه این ذکر را میگم توانایی ام خیلی بیشتر شده و آن کاری که فکر میکردم خیلی برام نا آسونه به راحتی آن کار را تمام شد اوضاع مالیم بهتر شد حتی دارم برای خونه جدیدم وسیله ای میخرم بدون یدونه مشکلی.

+آفرین تشویقش کنید.

\_تو هیجان انگیزترین اتفاق عالمی ، عاشق تغییر کلامت هستم

+مچکرم یک نفر دیگر

\_من وقتی بچه هام کوچیک بودند هر وقت می گفتند نمی تونیم همیشه می گفتم نه، تو میتونی، تو قوی و تو قدرتمندتر از منی، تو قراره قهرمان بشی فرمانده بشی الان دخترم ۱۵سالشه هم درسش را خیلی خوب می خونه ،هم خیاطی می کنه، هم به راحتی زندگی را اداره می کنه، غذا می پزد، تازه کلاس هم گذاشته برای بچه های کوچکتر از خودش دبستانی ها گلدوزی اینها آموزش میده تو فعالیتهای فرهنگی خیلی کمک می کنه.

+آفرین، تشکر، تشویق

\_تو هیجان انگیزترین اتفاق عالمی، عاشق تغییر کلامت هستم

+خیلی مچکرم ،خوب دعا بخونیم با همدیگر با چشمهای بسته،متمرکز با همه وجود یک،دو،سه

بسم الله الرحمن الرحيم

مهربون خدای من،خالق قدرتمند من،با دوستانت گرد هم آمده ایم، تا محبت محبوب غریبت را در دلمان زیاد کنیم وجزو آنانی شویم ،که هر زمان، مولای مهربانتر از پدرمان ،به ما می نگردد، از وجودمان لذت برد ،الهی ما از تو می خواهیم جمعمان را یاری دهی با فکر و سخن عمل مان وسیله ای شویم، تا دوران انتظار ولی مان به پایان رسد و جزو قدرتمندانی باشیم که در زمان پادشاهی ایشان به او خدمت کنیم .آمین

+چشمها باز

سوره والعصر

یک ،دو،سه

بسم الله الرحمن الرحيم

والعصر ان الانسان لفي خسر



الذین آمنوا و عملوا الصالحات  
وتواصوا بالحق وتواصوا بالصبر  
جمله، یک، دو، سه

روی زمین آمدیم، با صفات قوی تر اجرای قانون عالی  
تر، به هر چی می خوایم ب ر سیم امتحانت اندازه  
توانت، خودتو دست کم نگیر می تونی، قوی شو

بسیار مچکرم، خانمی تعریف میکرد و میگفتش من  
خیلی دلم خونه توی قلّهک زعفرانیه می خواست چون  
منزل ما پایین شهر بود بخدا هی می گفتم من خونه می  
خواهم اون بالا بالاها، خدایا یک خونه برایم در نظر  
بگیر اون بالا بالاها، بعد من خونه خریدم کجا؟ روی کوه  
شهرک پردیس، تازه متوجه شدم اعه آن بالا بالاهاهی که  
من لفظش را استفاده می کردم منظور من قلّهک  
وزعفرانیه بوده اما جهان منظور منو نفهمیده فقط بالا  
بالا بهم خونه داده روی کوه

+خیلی خوب بچه ها، چرا اینطوری شد؟

\_خانم باید کوچه و پلاک هم میگفت.

+واقعی چرا اینطور شد؟؟

\_باید از کلمه هاش دقیق تر استفاده کنه،

+آفرین

\_این نشون میده ،اثر کلام بیشتر از اثر فکر هست

+دقیقا

\_شده حکایت آن جوکه،که یک آقای از خدا درخواست  
میکرده خدایا اینقدر به من پول بده که نتونم بشمارم شده  
تحویلدار بانک ،هی گفته خدایا من برای خودم پول  
خواستم

+حالا جدی دلش ؟

\_تو قانون گذاشته که ما اثر کلام را یاد بگیریم

+آفرین ،آفرین-خداوند میدانسته منظور ما چیه؟؟ اما  
قانون گذاشته در جهان نشان ما بدهد که تو چقدر برای  
من مهمی کلمه های تو چقدر برای من مهمه ،

\_عالم خنگه دیگه .ما باید درست هدف را مشخص کنیم  
اما اگر مشخص نکنیم

+دقیقا ،دقیقا عالم هستی کلمات ما و اعمال ما را می بیند،کلمات سفارش ما هستند بچه ها شما میرید رستوران ،صاحب رستوران میاد که به شما میگه چی میل دارید بخورید ؟ من دمی گوجه میخوام ،اما تو ذهنت یک چیز دیگه است ، صاحب رستوران دمی گوجه میاره، و است اصلا ربطی ندارد توی ذهن شما چی بوده خیلی مراقب کلمه هامون باشیم .بریم سراغ درس

امیدوارم در این هفته توانسته باشید ، به محض اینکه حرف اشتباهی را گفتید ، سریعاً بگوئید: « اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ » و کلمه تان را قدرتمند اعلام کنید در عالم .

مثلا خانمی که زیاد تکرار می کرده است : خاک بر سرم ، به فاصله خیلی کم هم ، ۲ تا فرزند جوان ، از دست می دهد ، خب واقعا هم خاک بر سرش شد ، اثر کلمه هایش ، چون زیاد تکرار می کند ، اصلا می شود قانون ناخودآگاه ، قدرت می گیرد ، اگر حالا ۷ ، ۸ بار خاک بر سرم گفته بود ، یک خاکستری از روی دیوار

می ریختن روی سرش ، سرش یک ذره خاکی می شد ،  
البته به شوخی ...

ولی وقتی زیاد این کلمه را تکرار کرده ، دیگر قدرت  
گرفته ، دیگر ۵ تا ۶ تا الان نیست ، ۵ میلیون ، ۶۰۰  
میلیون است قدرتش در ذهن ، خب در نتیجه ۲ تا فرزند  
از دست داده .

حالا این خانم الان قانون یاد می گیرد ، ناخودآگاه را یاد  
گرفته ، قانون کلمه را الان متوجه شده ، به محض اینکه  
می گوید خاک بر سرم ، « أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ » ،  
گل به سرم .

خانمی که به دختر ۳ ساله اش ، برایش توضیح داده که :  
مامان جان خاک بر سرم کلمه خوبی نیست ، هر موقع  
خواستی بگی ، بگو گل به سرم ، بعد ایشون در شرایط  
متفاوت ، این بچه ۳ ساله ، یک خراب کاری بزرگ می  
کند ، دستهایش رو می زند روی سرش و می گوید گل به  
سرم گل به سرم ، البته خب گاهی از اوقات مادر می  
گوید : من یادم می رود ، یک وقت که این کلمه را می

گویم ، خیلی سریع زهرا به من تذکر می دهد ، مامان !  
گل به سرم .

این هفته یکی از دوستان تعریف می کرد می گفت : پسر  
من خیلی کلمه دهنمان سرویس شد ، این کلمه را خیلی  
استفاده می کرد ، هفته پیش رفته بوده برای دندان  
پزشکی، گفتن که اصلا ۴ تا دندان کناری ات بیرون  
نیامده و باید جراحی بشود ، جراحی کردند و الان واقعا  
دهانش سیر وی س شده ، بعد بچه ای هست که روی  
خودش کار می کند ، حالا آقا پسر بر اثر عادتش ، تا می  
آید این کلمه را اعلام می کند ، یک دفعه یادش می آید ،  
خودش می گوید : ببخشید ببخشید ، به جهان هستی نشنو  
، واقعا جهان حیرت انگیزی داریم ، امیدوارم بتوانیم  
خودمان را با این دنیای پر از قانونی که ذره ذره اش ،  
با قانونمندی ، با فیزیک ، با ریاضی ، ما را اوج می  
دهد به سمت بزرگتر شدن ، بتوانیم قواعدش را یاد  
بگیریم با قواعد بازی جلو برویم و بازی کنیم .

من واقعا برای گذشتگانمان ، یا کسانی که الان زندگی  
می کنند روی کره زمین و قوانین زمین را بلد نیستند ،

واقعا پیش خودم فکر می کنم آخر چطوری ؟ چقدر  
زندگیشان ... و ... قدرتمندی ندارد ؟

چقدر زندگیشان کم و کاستی هایش زیاد می شود ؟

فرض کن یک نفر بازی شطرنج بلد نیست ، مدام با او  
بازی شطرنج می کنند ، مدام هم در بازی می بازد ،  
خب معلوم است برای این آدم اصلا شطرنج بازی کردن  
لذت ندارد ، مدام در بازی شطرنجش می بازد ، اصلا  
دیگر به این بازی نگاه نمی کند ، بابا بقیه بازی کنند ،  
من نمی خواهم بازی کنم ، بعد حالا بازی شطرنج را می  
شود تو بازی نکنی و از گود بازی بیای بیرون ، اما  
بازی زندگی را که نمی شود دکمه بزنی و از بازی  
بیرون بیایی .

حالا هم بازی زندگی می کند ، هم قوانین بلد نیست ، هم  
مرتب می بازد ، خب خیلی طبیعی است که این آدم  
خسته شده باشد ، حالا به او قاعده بازی یاد بده ، برایش  
توضیح بده قواعد بازی چیست ، بگذار کیف کند در  
زندگیش .

من بعضی مواقع یک جاهایی در زندگی از شدت دیده شدن هنگ می کنم .

مثلا : ما خانه قبلی که بودیم ، ایوانمان نرده حفاظی داشت ، یک حفاظ بلند ، آهنی تا سقف ، که مثل زندان ، ما هر موقع توی ایوان می آمدیم حیاط را نگاه کنیم ، این حفاظ جلوی ما بود و خب به هیچ عنوان هم نمی شد آن را برداریم ، تاشو نبود ، همه خیلی اعلام می کردند که : وای اینجا مثل زندان می ماند ، ولی من برعکس ، من لذتم را می بردم از دیدن حیاط ، کیف هم می کردم ، سعی می کردم حفاظ را نبینم ، به محض اینکه حفاظ را می دیدم ، به خدا می گفتم : خدایا از نرده ها متشکرم ها ، ولی خوب بود کوتاهتر بود ، بعد با دستم حرکت انجام می دادم ، با دستم نشان می دادم که خدایا بهتر بود کوتاهتر بود ، و اصلا حواسم به این نبود که من دارم با حرکت دستم اعلام می کنم یعنی تا این نقطه ، ما خانه جدید خریدیم ، ایوانش نرده ها کوتاه بود ، اینقدر کوتاه بود که ما آهنگر آوردیم ۲۵ سانت تا ۳۰ سانت آهن به بالای این نرده جوش داد که بچه کوچولو امکان داشت

دولا بشود و پرت بشود پایین ، بعد از ۱ سال ، من کنار نرده ها که ایستاده بودم ، یکدفعه یاد آنجا افتادم ، که عه آن خانه آنطوری بود ، الان اینجا نرده هایش اینجوری ، یهوویی با حرکت دستم نشان دادم ، آه خدایا من اونجا بهت می گفتم که : نرده ها بهتر بود کوتاهتر .... عه عه عه مریم ! اندازه دستت دقیقا اندازه لبه نرده است ، وای خدای من ، داری با من شوخی می کنی ؟ این امکان ندارد ، یعنی جهان تو اینقدر ظریف من را نگاه می کند ؟

بعدخودم از حیرت و شدت توجهی که عالم هستی به حرکات تو دارد تا ۲۰ دقیقه تو فکر رفته بودم .

بعد ما این مثال را سر یکی از کلاسها زدیم ، یکی از بچه ها برگشت گفت : خانم جباری ! این با محبت و رأفت خدا تناقض دارد ، آخر چطوری خدایی که کریم است ، خدایی که رحیم است ، اینقدر دقیق ، مو به مو اندازه گیری می کند ؟ این از رحمت خدا بعید است ، بدور است خدا با ما این مدلی حساب و کتاب کند .



جواب این خانم : چطور شما زیر غذا را زیاد می کنی و شعله زیاد است و غذای شما می سوزد ، آنجا اعلام نمی کنی که از رحمت خدا بدور است غذای من بسوزد ، کاملاً مسئولیت پذیری ، آقا من خودم زیر غذا را زیاد کردم ، خودم یادم رفت زیاد موند ، خودم سوزاندم ، دنده ات نرم ، می خواستی حضور در لحظه ات را زیادتر کنی حواست باشد ، قوانین جهان است این ، شعله گاز را قبول داری زیاد می شود می سوزاند ، حرکت دستت را قبول نداری ، یک حرکت انجام می دهی اثر دارد در عالم هستی؟

این به محبت خدا چه مربوط ؟

البته که در قانون انرژی کامل توضیحش می دهیم و خداوند خیلی خیلی از منفی هایی که ما با دست و پا و چشم و گوش و... انجام می دهیم ، همینطوری رد می کند و ندید می گیرد و خیلی هایی را هم که بازتاب می دهد ، بابت این است که ما هوشیاریم به اینکه ، ببین در جهان چه خبر است ؟ حواست را جمع کن به عالم هستی ، دارد توانمندی تو را و هوشیاری تو را بالاتر

می برد ، برای بزرگتر شدن ، برای اینکه در مسابقه جهان نفر اول بشوی ، برای اینکه بزرگ بشوی اندازه خودش ، اما خب ما ، قاعده جهان را یاد نمی گیریم ، مرتب هم به رحمت خدا می زنیم ، بعد که بچه هایمان سوال می پرسند : ماما جان چرا زندگی ما این مدلی است ؟ اعلام می کنیم قسمت است مادر جان قسمت ! دیگر به چیزی که خدا برای ما روزی کرده کفر نگو مادر جان .

بعد محصول اینکه قوانین جهان را جدی نمی گیریم ، حرکات خودمان و هر لحظه به لحظه خودمان را ، کلمه هایمان را ، اعمالمان را ، دقت نمی کنیم ، محصول آن می شود باخت در زندگیمان و باختن تمام اطرافیان ما .

پسر جوانش مرتب تکرار می کند : خدایا چرا من را نمی بری ؟ من خسته شدم از زندگی کردن ، بعد در سن ۲۶ سالگی ، در خواب سخته می کند و فوت می کند .

این درد ندارد ؟ بجای اینکه سر قوانین بایستیم محکم ، قانونمند زندگی کنی ، دانه

دانه جاهای زندگیت ، پازلشو بچینی بگذاری سر جاش ،  
هر جایی را که اشتباه می کنی خودت متوجه بشی از  
کجا خوردی ، چطوری رجبعلی خیاط یک جا از  
زندگیش رو اشتباه می کنه متوجه می شه آخر شب میگه  
؛ ااوه این برای این بود که یک لقمه اضافه تر خورده  
بودی !! چقدر تمیز داره زندگی می کنه ، چقدر قانونمند  
، لحظه لحظه اتفاقاتش رو متوجه می شه.

- حالا ماها ، به جای اینکه قانون رو بپذیریم ، به جای  
اینکه قانونمند یاد بگیریم زندگی کنیم ، بجای اینکه هر  
شب بشینیم محاسبه کردن خودمون یه ساعت ، امروز  
این جا این جمله را چرا گفتی !؟ میشد به جای این جمله  
اینطور بگی ، همین مدلی شلم شوربا و در هم بر هم  
زندگی می کنیم ، بعد تهش انتظار داریم که یک زندگی  
بسیار عالی ، برنده جهانی ، شخصیت معرکه در جهان  
هم بشویم ، خواهش می کنم عزیزم ، رحمت خدا به جای  
خودش و این طرف هم عمل شما به جای خودش ، اثر  
عمل و کلامت را جدی بگیر جدی !!!

عشقم ، میخوای روز قیامت متوجه بشی اثر هر کدوم از کلمه هات تو زندگیت جاری شده !!؟؟ اونجایی که دیگه هیچ کاری نمیتونی کنی !!؟؟ الان بفکر بیفت ، پاشو پاشو با دقت به کلمه هات زندگیت رو زیرو رو کن.

- آقای مرد جان ، ایشون در زمان جنگ اسیر میشن و شکنجه های وحشتناک عراقی ها ، (مثلا ؛ اتو رو رو پوست بدن میزاشتن و پوست و گوشت کبابی میشده) ایشون زیر شکنجه های وحشتناک زیارت عاشورا میخونده و لعنها رو داد میزده با قدرت روحی بالا که زیر اون شکنجه ها میتونسته تحمل کنه ، توان خودش قویتر بشه و قدرت روحی خودش رو بالاتر بره ، هیچی نگه ، اطلاعات رو لو نده ، تازه ایمانش هم روز به روز راسختر بشه.

- آقای محترمچه چیزی داره شما رو اینقدر قوی میکنه  
؟؟

کلمات زیارت عاشورا ، دعا‌های متفاوت ، ادعیه ،  
اذکار ، نمازی که داره میخونه.

- حالا همین آقا وقتی از اسارت آزاد میشه یواش یواش  
در عرض ۱۰ \_ ۱۵ سال افسردگی میگیره.

- ا ، آزاده محترم ، عزیز من ، شما که توانستی با قدرت  
کلماتت بعضی ها را به زیر لگد خودت بکشی چرا الان  
تو ایران ، تو آزادی خودت اینقدر با کم کردن قدرت  
کلمات ، ذکرها بعلاوه ناراحتی از اجتماعی که داری  
میبینی ، با خودت میگی آخه این چه اوضاعیه؟! ما  
رفتیم برای این؟ ما خواستیم جهان این مدلی بشه؟ ما از  
حکومت اسلامی این رو میخواستیم؟

- آخه چرا با یکسری گویشهای منفی ، کلام منفی ،  
فکرهای منفی و از دست دادن قدرت کلماتی که قبل  
ازشون استفاده میکردی سطح انرژی خودت رو پائین  
میاری که تبدیل بشه به افسردگی!! شما میتونستی با  
همون کلماتی که داشتی بعلاوه یکسری قدرتمندی اضافه  
تر ، با قدرت کلام الانت ، دیدن خوبیهایی که وجود داره  
قدرت رو راست کنی ، قدرتت رو بیشتر کنی ، جلوی

چهارتا دولت مرد به ایستی ، دیگه اینا از بعثی ها که بدتر نیستن.

- البته ما منظورمون فقط به شما نیست ، این رو به خودمون هم می‌گیم ، مریم جان ، تو که میتوانی با قدر شدن خودت

با اجرای قوانین خودت ، سطح انرژی خودت را فوق العاده بیشتر کنی و بعد با میزان زور و انرژی که داری میتوانی صدها و هزاران نفری را که دارند در سطح جهان خرابکاری میکنند را به زیر بکشی.

\* پاشو عزیز من پاشو ، دنیا شده یک دهکده کوچک ، اثر کلام و رفتارمون رو دیگه آهسته آهسته بچشم خواهیم دید.

\*زبان ما قیمتی ترین ثروت ماست ، بیشترین خیر و بیشترین شر ، تولیدی زبان و مال زبان هست و جالب هست که خدا به پیامبرش میگه ؛ به بندگانم بگو دائما سخنان نیکو به زبان بیاورند ، حالا با این اطلاعاتی که من از قانون کلمه دارم و میدونم که چقدر کلمات ما تو جهان هستی مهم هستن اگر خداوند این حدیث رو بر من نازل کرده بود برای شما اینجوری میخوندم ؛ بندگان خدا ، دائما سخنان نیکو به زبان بیاورید ، لحظه به لحظه مراقب حرکات خودتان باشید ، لحظه به لحظه به گویش و چیدمان کلمات خودتان دقت کنید ، شما با هر کلامتان دارید آینده خودتان را پیش گویی میکند ، مراقب خودتان باشید.

- خب حالا از شوخی بگذریم ، ولی بدانیم کلمات در جهان هستی خیلی قیمتی هستند ، مثلا همین هفته یکی از بچه ها پیام فرستاده که من وقتی عصبی ، خسته و ناراحت میشدم تکه کلامم این بود که از دست شما استخوانم سیاه شده ، به زبان خودشان (سُوخُونَم سی بی یه) بعد الان بیماری رماتیسم گرفتم و استخوان درد زیاد

که متوجه شدم اثر کلامم هست ، الان شروع کردم کار کردن روی کلماتم ، شکر خدا استخوانهایم روز به روز داره محکمتر میشه.

\* مراقب قانون جذاب کلمه باشیم \*

\* یا اینکه بهتر بگم ؛ با قانون کلمه تو جهان برای خودتون کاسبی راه بندازین \*

- یکی از بچه ها میگفت که ما یه آهنگ داریم تو زبان خودمون که توش یه جمله هست و میخونه (هر چی پول داری بده به لیلا) و چون اسم من لیلا هست من این جمله رو خیلی دوست دارم و با شادی میخونمش و جالبه ، هر روزی که اینو میخونم پول بدستم میاد ، اینقدر این تکرار شده که پسر هم جمله این آهنگ رو با اسم خودش میخونه و پول به دستش میرسه.

\* با قانون کلمه کاسبی کن ، پولدار شو \*

(ما رسماً از ائمه روایت داریم که ؛ سخنان نیکو رزق و روزی رو زیاد میکنه ، با کلام نیکو پول و رزقتو بیشتر کن)



\* خب ، بریم سراغ دل قرص و قوی ؛

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله داریم ؛ ایمان بنده ای استوار نگردد تا دل او استوار گردد و دل کسی استوار نمیشه تا زبانش استوار شود.

- استوار شدن زبان یعنی چه!؟؟ یعنی اینکه دقیق بدانی میخواهی چه بگویی ، با چه لحنی میخواهی بگویی ، کجا میخواهی بگویی ، جایش درست هست یا نه ؟ چه کلماتی را عنوان میکنی.

این میشه استواری زبان ، بعد استواری زبان باعث میشه که دلت استوار بشه ، دلت استوار بشه یعنی از چیزی نمیترسی ، نمیترسی ، استرس نداری.

اصلا اینجا کنار این حدیث باید این را اعلام کنیم ؛ چه کسی استرسش بیشتر هست!؟ کسی که زبانش هرزتر هست.

- با زبان چه گناهایی میشه کرد!؟

\*بیجا حرف زدن ، \*منفی گفتن ، \*دروغ گفتن ، \*غیبت کردن ، \*مطلق گویی و.....

ااا ، پس هر کسی که گناهان زبانش بیشتر هست استرس بیشتری دارد ، پس تا به کلماتت امیر نشوی ایمانت محکم نمیشه ، قلبت مطمئن نمیشه.

\* دل قرص و استوار میخوای

اگه قلب مطمئن میخوای چیدمان کلامت را عالی کن \*

خانم خیلی به فرزندش برو نکن بشین اینو چرا انجام دادی .... دستور میداده بعد تو ماجرای افزایش قیمت خونه و بنزین خیلی ترس تو جونش میافته میگه خانم جباری چرا ایمانم محکم نیست؟ چرا نمیتونم باور داشته باشم که رزق دست خداست؟ چرا قلب من انقدر ضعیفه؟

تا به کلمه هات امیر نشی

ایمانت محکم نمیشه

قلبت مطمئن نمیشه

دل قرص و استوار می خوای

اگه قلب مطمئن میخوای

چیدمان کلام تو عالی کن

بدن درد زیاد داره واسه همه بدن درد شو میشینه تعریف  
میکنه، کلامش استوار نیست بعد پسرش با دوستای  
ناخوب ارتباط برقرار میکنه، ترس وحشتناک گرفتاش که  
آینده فرزندم چی میشه چرا قلبش محکم نیست؟ چرا  
نمیتونه به خدا اعتماد کنه که هر اتفاقی خیر برام؟ چرا  
نمیتونه راحت تکیه بده به خدا کار درست و انجام بده  
ولی قلبش و ذهنش آروم باشه چرا؟!!

تا به کلمه هات امیر نشی

ایمانت محکم نمیشه

قلبت مطمئن نمیشه

دل قرص و استوار می خوای

اگه قلب مطمئن میخوای

چیدمان کلام تو عالی کن

قلبش خیلی ترس داشته متوجه میشه به خاطر غیبت و  
دروغشه به خاطر اینکه حرف منفی زیاد میزنه، حتی

میخواستہ خونہ بفروشہ خونہ بخرہ، بہ خدا نمی تونستہ  
اعتماد کنہ شروع میکنہ حرفہای دروغشو حرفہای  
منفیشو کلاً ترک میکنہ با قلب مطمئن خونہ میفروشہ  
چند ماہ بعد خونہ میخرہ زیر بار ۵۰۰ میلیون قرض  
میرہ اما قرضاش خیلی سریع پرداخت میشہ میگہ خانم  
جباری واقعاً قدرت کلام عجیبہ خیلی دلم محکم شدہ

تا بہ کلمہ ہات امیر نشی

ایمانت محکم نمیشہ

قلبت مطمئن نمیشہ

دل قرص و استوار می خوای

اگہ قلب مطمئن میخوای

چیدمان کلام تو عالی کن

آقایی کہ بددہن ، اصلاً قدرت ریسک ندارہ بہ ہیچ

عنوان قلبش مطمئن نیست چرا؟!!

تا بہ کلمہ ہات امیر نشی

ایمانت محکم همیشه

قلبت مطمئن همیشه

دل قرص و استوار می خوای

اگه قلب مطمئن میخوای

چیدمان کلام تو عالی کن

خانومم آنچنان استرس داره که تو هر اتفاقی قلبش  
میگیره. بقیه دورش جمع میشن بهش آب قند میدن  
آرومش میکنن، چند وقته با قانونا آشنا شده شروع کرده  
به کلمه هاش مسلط شدن مثبت میگه با آرامش حرف  
میزنه دقت به کلمه هاش میکنه، پسر برادر نابغه جوون  
فوت میکنه این خانم محکم، تازه به بقیه فامیل دلداری  
میده، ایشون شروع میکنه بقیه رو آروم کردن چی شده  
انقدر مطمئن شده؟!!

تا به کلمه هات امیر نشی

ایمانت محکم همیشه

قلبت مطمئن همیشه

دل قرص و استوار می خوای

اگه قلب مطمئن میخوای

چیدمان کلام تو عالی کن

هیچ وقت کلمه های عاشقانه از همسرش دریافت نمی کرده با اینکه سردی رفتار همسرش خیلی قلبشو ناراحت می کرده و احساس ضعف می کرده زوج های احساسی رو میدیده خیلی احساس شکست میکرده از مدل ازدواجش اما با کلاس که آشنا میشه شروع میکنه کنترل کلمه هاش (۱) قلب شما محکم میشه

(۲) به راحتی می پذیرد که این رنج بابت رشد منه

(۳) همسرش شروع میکنه کلمه های عزیزم جیگرم عسلم عشقم نفسم بهش میگه چقد مسلط شدن به کلمه ها اثر داره، البته ایشون کلمات نیشدار زیاد می گفته که اونها رو هم حذف کرده

تا به کلمه هات امیر نشی

ایمانت محکم نمیشه

قلبت مطمئن نمیشه

دل قرص و استوار می خوای

اگه قلب مطمئن میخوای

چیدمان کلام تو عالی کن

بچه دار که می شه تا شیر میپره تو حلقه بچه اش،  
استرسش شدید میشه، پاهاش لرز میگیره می بینه  
کلماتش قوی نیست شروع میکنه کلمات قوی گفتن در  
اثر قدرت کلمات قلبش محکم میشه به رزق، محکم به  
عمر بچه، محکم به جهان هستی برای برنامه ریزی  
فرزندش، خانمه میگه جلوی چشمم توی دریا بچه ای  
غرق شد اینقدر قلبم محکم شده بود که به مادر اون بچه  
تسلای خاطر میدادم، مادر بعدا بهم گفت تو یک هدیه  
خدا بودی تو اون شب سخت، برای اینکه کمک من  
باشی واقعا از حضورت متشکرم

تا به کلمه هات امیر نشی

ایمانت محکم همیشه

قلبت مطمئن همیشه

دل قرص و استوار می خوای

اگه قلب مطمئن میخوای

چیدمان کلام تو عالی کن

توی کلماتش خیلی قضاوت اطرافیان رو داره گواهینامه  
داره نمیتونه پشت فرمون بشینه قلبش ترسونه ،شروع  
کرده به کنترل کلمه هاش ،الان خیلی راحت قلبش که  
محکم شده پشت فرمون میشینه تازه امسال میخواد  
مسابقات رالی هم شرکت بکنه

تا به کلمه هات امیر نشی

ایمانت محکم همیشه

قلبت مطمئن همیشه



دل قرص و استوار می خوای

اگه قلب مطمئن میخوای

چیدمان کلام تو عالی کن

توی خونه خیلی مراقب کلمه هاش نبوده استعداد  
سخنرانی عالی داره ولی قلبش محکم نیست ترس داره  
وقتی قانون کلمه رو میفهمه شروع میکنه تسلط به کلمه  
هاش بعد ۸ سال سخنران و نویسنده بنام میشه خیلی  
راحت جلوی هزاران نفر سخنرانی میکنه اینم اثر قدرت  
کلمه ها

تا به کلمه هات امیر نشی

ایمانت محکم نمیشه

قلبت مطمئن نمیشه

دل قرص و استوار می خوای

اگه قلب مطمئن میخوای

چیدمان کلام تو عالی کن

یکبار به مادرم گفتم که هوش شما از من بیشتر است اما بعد سریع درستش کردم و گفتم: نه مامان، هوش من به شمار رفته! عزیز من فکر کن چه داری می گویی کلمه هایت را تغییر بده من به جد اعتقاد دارم که ما مسلمان ها توانایی جلوتر بودن در کل آدم های دنیا را داریم و برای چنین امر مهمی باید بتوانیم قانونمند زندگی کنیم و هر چقدر قانونمند زندگی کنیم قانونمند کلمه هایمان را استفاده کنیم قانونمندان قدرت ناخودآگاه مان استفاده کنیم سرعتمان از جلو زدن تمام جهان بیشتر می شود الان بحث ما روی کلمات است چه کلمه‌ای را اعلام کردی؟ اما یک بحث جدا هم کلمه دارد لحن کلمه! اصلاً خود گویش چه مدلی است؟ مثلاً در سخنرانی، یک سخنران با لحن نرم حرف می زند، یک سخنران با چیدمان استوار صحبت می کند، یک سخنران تند تند حرف می زند، یک سخنران خیلی با طمانینه و آرامش خاص صحبت می کند، یک سخنران بیشتر لحنش شوخی است. در قرآن چند مدل اصلاً قول اعلام شده، قول سَدید، قول مَیسور، قول لَین مثلاً خدا در آیه ی ۱۴۴ سوره

طه ،وقتی به حضرت موسی می گوید برو با فرعون صحبت کن ،میگوید با قول لَیْن صحبت کن با قول نرم اگر قرار باشد اثری رویش داشته باشد قول نرم تو اثر روی فرعون خواهد گذاشت .وای خدای من با فرعون! اثر لحن نرم می گذارد ببین می خواهی روی فرعون کلامت اثر بگذارد با لحن لَیْن صحبت کن بعد حالا ما ها با بچه‌هایمان که اصلاً درجه ی شقاوت درونی شان با فرعون قابل قیاس نیست تو با بچه هایت داری صحبت می کنی با چه لحنی صحبت می کنی؟ حواست به نرم بودن گویش ات هست ؟ببین اگر قرار است فرزندی را با خشم متقاعد بکنی چیزی را که در وجود او می کاری خشم و زور است ها !بماند ،ما چون سخنران نیستیم اصلاً لحن ها و نوع گویش ها را احتیاج نداریم فقط اینکه میسور می شود قول آسان،قول روان چگونه حاج آقا قرائتی قول میسور دارد راحت صحبت میکند از الفاظ تخصصی استفاده نمی کند همه ی تلاشش را میکند که گویشش مورد فهم همه ی عام جامعه باشد قول میسور می شود این .ما برای ارتباطات بین المللی

مان، ارتباطات خانوادگی مان که با همدیگر داریم برای ارتباطات عالی بین افراد جزو محیط کاری یا محیط خانواده احتیاج داریم به قول میسور، قول لین، قول استوار! اما به این ۳ تا احتیاج داریم هم قول محکم باشد، هم قول نرم داشته باشیم، هم قول ساده باشد. حالا در حال حاضر اصلاً نمی‌خواهیم به این بپردازیم فقط اینکه حواس مان باشد به این ۳ تا ولی بیشتر حواس مان باشد به کلمه‌ها! اول بدان چه می‌گویی بعداً فکر کن چگونه و با چه لحنی بگویم مثلاً الان در بازیگری آدم‌ها بیشتر حواس شان به لحن شان هست تا به کلمه هایشان. ما خیلی موقع‌ها برای اطرافیانمان لطیفه که تعریف می‌کنیم می‌خواهیم خنده دار باشد به لحن گویش مان دقت می‌کنیم اما به کلمات آن لطیفه دقت نمی‌کنیم. یک خاطره‌ای را می‌خواهی برای یک نفر بگویی به هیجان صوتت دقت می‌کنی اما به کلماتی که داری درونش اعلام می‌کنی خیلی دقت نمی‌کنی. خیلی مرکز توجه مان را بگذاریم روی الفاظ، لغات، با چه کلمه‌هایی می‌گویی هم کلمات منفی نباشد هم بهترین کلمه‌ها باشد. انشالله

هفته ی آینده این که چرا قران از کلمه های منفی استفاده کرده یا در اذکار و ادعیه را می گوئیم .

روایت داریم :نعمت از کسی رسید شکر نکنی امتداد آن نعمت را از شخص قطع کردی.

پدرت همیشه کار های بانکی خانه را انجام می دهد ،تو تا حالا تشکر کردی بابتش؟وا خانم جباری وظیفه ی پدر هست دیگر ! -جان !وظیفه ی پدر است ؟شما الان چند سالت هست بالای ۱۸ سال باشی اصلا دین را هم کنار بگذاریم یک زندگی کاملاً بدون دین ،۵ نفر آدم دارند با هم زندگی می کنند تمام هزینه ها باید تقسیم بر ۵ بشود ،تمام زحمت ها تقسیم بر ۵ بشود ،حالا این طوری با این حساب کتاب ،حساب کن ببینم هزینه های هر روز تو و سهمی که قرار است تو امروز در خانه انجام بدهی چقدر است ؟تازه این می شود دو دو تا چهار تا ها!

یک زندگی کاملاً قانونمند شما الان ۱۸ سالتان هست توانایی این که خودت کار کنی پول در بیاوری را داری نباید روی پاهای کس دیگری بایستی جهان هستی تو را دارد نگاه می کند اگر وظیفه های تو گردن یک نفر

دیگر است خوب انشالله بحول قوه ی الهی چند وقت دیگر وظایف دیگران را به دوش شما می گذارند با قانون جذب دارد این اتفاق می افتد شما کاری که مال خودت هست را داری انبار می کنی روی دوش پدرت ،خوب چند وقت دیگر فرزندت کارش را انبار می کند روی دوش تو !اصلاً نه ازدواج نکردی همسایه ی تو آشغالهایش را میگذارد جلوی در واحد شما ،شما ببری سر کوچه بگذاری ،صاحبکار تو یک کارهایی را میتواند خودش انجام بدهد همه را می اندازد روی دوش شما ؛میزان وظیفه ای که روی دوشت هست از جهان هستی سهم بندی کن این سهم من است در جهان الان ،اگر دارم این کار را انجام میدهم سهم خودم را دارم پرداخت میکنم، اگر آخر برج از حقوقم اینقدر درصدش را می دهم برای خانه، من پول نمی دهم به پدر و مادرم ،پول خرجی خودم را دارم میدهم .-نه خانم جباری پدر و مادر ما کاملاً راضی هستند از این که دارند برای ما هزینه میکنند. من اصلاً به رضایت آنها کاری ندارم !! چه سریع هم بل میگیرد به اثر حرکتی که از تو دارد

ساطع میشود در عالم کار دارم ! تو می خواهی یک شخص ابر قدرت در جهان بشوی، تو میخواهی به جهان دستور دهنده بشوی ،تو میخواهی حرف بزنی جهان بدو بدو دنبال کار تو را بگیرد .خوب جنابعالی که می خواهی اینجوری باشی مرحله ی اولش این هست بار نباشی روی دوش دنیا ،بار کسی نباش هزینه های خودت را خودت در بیاور !حالا اصلاً بحث ما این نبود بحث ما تشکر از نعمت بود .مادر شما هر شب برای شما غذا درست میکند شما هر شب تشکر میکنی؟ هر روز در یخچال را باز می کنی میوه در یخچال هست استفاده می کنی هر روز بابت میوه تشکر میکنی؟

خانمی برای من تعریف می کرد و می گفت: من در خانه زندگی پدرم پر و پیمون از همه ی لحاظ هادر رفاه؛وارد خانه ی همسرم شدم همسرم خسیس،خسیس!من اولین سؤالی که ازش پرسیدم :خانم محترم شما در خانه ی پدر و مادرت از پدر و مادرت تشکر می کردی بابت نعمات ؟ -وا خانم جباری نه!مگر باید تشکر می کردم بابتش؟ خوب عزیز من ما روایت

داریم: نعمتی به شما می رسد تشکر نکنی قطع می شود

یکی دیگر از بچه ها:!! پس انقدر برادر های من هوای من را داشتند در کار ،در شرایط زندگی،در اوضاع اقتصادی، الان همسر من اصلاً هوای من را ندارد بابت این هست که من از برادرم تشکر نکردم؟وای خانم جباری محیط کاری قبلی من ،همکارم خیلی هوای من را داشت خیلی بر عکس رئیسم خیلی ما را اذیت می کرد آخرش من از آن محیط کار بیرون آمدم وارد محیط کاری دیگر شدم نه همکارم هوای من را دارد نه رئیسم این بابت این هست که من آنجا از همکارم تشکر نکردم!

بله عزیز من ، بله ، این قانون کلمه است ، شما بابت هر نعمتی که به شما می رسه اگر تشکر ، یعنی داری به عالم هستی اعلام می کنی ، من این نعمت رو رسید دیدم ، متشکرم ، من حواسم هست این نعمت داخل زندگیمه ، تشکر ،یا به شخصی ، خانمی می گفت شوهر من هر سری می رفت مغازه اون خوراکی رو که من خیلی دوست داشتم واسم می خرید، تو خریدا بود ،



خوب من احساس می کردم خوب وظیفشه دیگه ، داره  
می خره دیگه، من هیچوقت تشکر نمی کردم الان چند  
وقته که اصلا اون خوراکی را که من دوست دارم دیگه  
برام نمیخره ، خانم جباری معنی این اینه که دیگه  
همسر من توجهی نداره ، نه عزیز من ، نه ، معنی  
این اینه که شما با تشکر نکردنت آن نعمت را به روی  
خودت قطع کرده ای ، خانمی رو داشتم می گفت همسر  
من صفت های ناخوب فوق العاده زیادی داشت ، خیلی ،  
اما خانوم با تشکر کردن از کارهای کوچولو کوچولوی  
همسرش ، تشکر بابت اینکه اومدی سر سفره نشستی با  
ما غذا بخوری خیلی دارم خوشحال میشم ، تشکر از  
اینکه صبر کردی تا پیام با هم غذا بخوریم ، میخواد بره  
دستشویی ، همسرش هم میخواد بره ، همسرش چند  
لحظه مکث می کنه، اول تو برو، تشکر از اینکه  
هوای منو داری ، میزاری اول من برم ، تشکر از اینکه  
معدده ی سالم من برای تو خیلی مهمه ، تشکرهای ریز  
ریز ، طوری شده که همسر داره بقیه صفت های  
ناخوبش رو هم ترک می کنه ، مثلاً یه لطیفه ، آقایی یه

ذره حساست داره ، خانم رفته پارچه خریده ، آقا به محض اینکه پارچه رو میبینه ، زن بازم که رفتی پارچه خریدی ، بعد خانوم با یه لحن دوست داشتنی میگه : می خوام برای خودت چند تا دستمال بدوزم ، می خوام خودت استفاده کنی لذتجو ببری ، آقا اعلام میکنه پس چرا ۴ متر خریدی ، اینقدر زیاد ، دوباره خانم ، اشکالی نداره ، با بقیه اش حالا واسه خودم یه پیرهن میدوزم و خیلی متشکرم از همسرم که اینقدر حواسش به تمام خرج برج های خونه هست ، خوب این آقا یواش یواش با این مدلی که خانم داره تشکر و قدردانی می کنه ، اصلا ویژگی حساستش آب میشه ، حالا از این طرف ما آموزش می دیم که از همدیگه تشکر کنید ، از اون طرف خانم از شوهرش می پرسه کی منو بهت معرفی کرده ؟ شوهر میگه چه می دونم والا ، اون موقع دشمن زیاد داشتم، تشکر و قدردانی که نمیکنند ، تازه یه جوری دوست دارن به همدیگه حالی بکنند که ، پس تا میتونین با تشکر کردن از اشخاص ، سعی کنیم اون نعمت را متداوم توی زندگیمون جاری کنیم ، حواستون

هم باشه ، شکرگزاری زیاد از شخص نداشته باشین ،  
تشکر زیاد فقط از خدا ، تشکر از اشخاص به مناسبت  
لطفی که بهت کرده ، مثلا خانمی رو داشتیم خیلی نگران  
خجالت زده شدن جلوی بچه هاش بود ، اصلا این کلمه  
رو زیاد تکرار می‌کرد ، خجالت زده بچه هام نشم ، بعد  
دوماهه پاش شکسته ، جالبه که همش داره به واسطه  
کمک گرفتن از بچه ها خجالت زده بچه ها میشه عزیز  
من شما تشکرت رو از لطفی که بهت می کنند بکن اینقد  
هم خجالت زدگی رو تو ذهنت مانور نده ، راه نبر ، اون  
به مناسبت لطفی که داره به تو می کنه ، تو زندگی  
خودش گشایش داره براش به وجود میاد ، خوب از کلمه  
شکر رد بشیم ، یکی دیگه از کلمه هایی که ما خیلی تو  
زبان عامیانه ازش استفاده می‌کنیم و کلمه نا خوبیه کلمه  
کاش ، معنی کلمه کاش ، یعنی می شد در گذشته چیزی  
به من برسه که نرسید ، این اصل واقعیت نداره

ما از حضرت علی داریم ، یقین یعنی چیزی که در  
گذشته نشد ، نمی‌شد بشه و چیزی که به شما نرسید ،

نمیشد به شما برسه ، این مال گذشته ها ، قاطیش نکنید با امروز ، مثلا پیش خودمون بگیم امروز دیگه هرچی به ما از این به بعد برسه ، دیگه مقدر بوده برسه ، نمی‌شدم نرسه ، نه عزیز من یه سری کارا رو باید الان انجام بدی شما ، اما در گذشته بنا بر اتفاقاتی که افتاده و رفتارهایی که از ما ساطع شده ، یه چیزایی به ما رسیده و غیر از اون چیزایی که رسید نمیشد نرسه ، حالا وقتی ما داریم از کاش استفاده می‌کنیم ، یعنی داریم اعلام می‌کنیم که میشد ، میشد یه چیزای بهتر اتفاق میفته که نمیشد .

## خواص کاش

خاصیت‌های مصرف کاش در زندگی :

۱ \_ داری اعلام می‌کنی جهان هرکی هرکیه ، نگرانی واسه خودت تولید می‌کنی

۲ \_ الان می خوام گذشته را درست بکنی و عوض بکنی ، محاله ، پس با این محال برای خودت استرس می سازی .

۳ \_ داری اکنونت رو تلف می کنی و از لحظه ات لذت نمیبری .

۴ \_ حسرت و غصه یه چیزی که از دستت رفته رو داری تو وجودت جایگزین می کنی ، با این حسرتِ داری یه نگرانی رو توی خودت وارد می کنی

۵ \_ اکنون رو جدی محسوب نمی کنی ، گذشته رو جای لذت محسوب می کنی

۶ \_ کلمه کاش به هیچ جا وصل نیست ، به خدا وصل نیست . بعد ما روایت داریم کاش تلقین شیطونه ، یعنی

شما هر زمانی که داری از کاش استفاده می کنی ،  
شیطون داره رو مغز شما راه میره با این کلمه میزانی  
استرس وارد شما کنه

پس یادتون باشه شما با هر کاش دارید :

یک : از شیطون تبعیت می کنید.

دو : استرس وارد خودتون می کنید .

در صورتی که از حضرت علی داریم با غصه خوردن  
نسبت به گذشته زمان پیروزی هایی را که در پیش رو  
داری از خودت دور نکن.

معنیش میشه با کاش گفتن تو داری زمان پیروزی رو  
که قراره تو آینده بهت بدن رو از خودت دور می کنی ،  
پس چرا ای کاش ؟ من قراره به چیزهایی بهتر از اون  
چیزی که خودم فکر می کنم و با این کاش می خوام به

دست بیارم ، دارم به اونا می رسم ، مراقب ای کاش باشید ، اصلا به جای کلمه کاش عوضش کنید ، چه بهتر بود ، اینکارو کنم ، که اینطوری بشه ، اصلا به محض اینکه ای کاش اومد تو ذهنت سریعاً عوضش کن ، چیزی که نشد نمیشد بشه ، ولش کن ، یا کلمه هایی مثل روزیش نبود ، روزیم نبود ، یه جنسی رو دیده ، نخریده ، الان شدیداً بهش احتیاج داره ، میگه ای کاش اونجا خریده بودم ها . سریعاً استپ کن ، مگه میخوای استرس بگیری ؟ مگه میخوای به حرف شیطون گوش بدی ؟ استپ ، رزق من نبود الان میشه چه کار کنم ؟ پس تا میتونیم بعد از گفتن کلمه کاش کلمه هامون را تغییر بدیم ، که هر چه زودتر این کلمه از تو فرهنگ لغات ذهن ما بیرون ، مثالها رو گوش بدین.

#ویس\_کاش\_تلقین\_شیطونه

□ نگو کاش زنگ زده بودم گفته بودم بیای .

بگو تمرکزت را بیشتر کن .

□ کاش تلقین شیطونه

کاش استرس میاره

چیزی که نشد نمیشد بشه

یاد بگیر ذاتت قویتر بشه

□ نگو کاش تو راه میوه خریده بودم .

بگو باید اعتماد به رزقم را بالا ببرم .

□ کاش تلقین شیطونه

کاش استرس میاره

چیزی که نشد نمی شد بشه



یاد بگیر ذاتت قویتر بشه

□ نگو کاش با این آدم ازدواج نکرده بودم .

بگو با این آدم قوی شو ، قدرت بگیر ، خوشبختیت را عالی کن .

□ کاش تلقین شیطونه

کاس استرس میاره

چیزی که نشد نمی شد بشه

یاد بگیر ذاتت قویتر بشه

□ نگو کاش به خودم فرصت بیشتر میدادم برای این رشته تحصیلی .

بگو توی این رشته می تونی صفت پا روی دل گذاشتنت را بالا ببری .

□ کاش تلقین شیطونه

کاش استرس میاره

چیزی که نشد نمی شد بشه

یاد بگیر ذاتت قویتر بشه

□ نگو کاش درسم را خوب خونده بودم .

بگو از این به بعد وظایفت را به نحو احسنت انجام بده .

□ کاش تلقین شیطونه

کاش استرس میاره

چیزی که نشد نمی شد بشه

یاد بگیر ذاتت قویتر بشه

□ نگو کاش پول بیشتر داشتم ، باهاش بیشتر سود می کردم .

بگو رزق دست خداست با شکر رزقم را بیشتر می کنم .

□ کاش تلقین شیطونه

کاش استرس میاره

چیزی که نشد نمی شد بشه

یاد بگیر ذاتت قویتر بشه

□ نگو کاش دیرتر بچه دار می شدم ، لذت زندگی را بیشتر می فهمیدم .

بگو هیچ کیفی به اندازه لبخند بچه نیست .

□ کاش تلقین شیطونه

کاش استرس میاره

چیزی که نشد نمی شد بشه  
یاد بگیر ذاتت قویتر بشه

□ نگو کاش زودتر عقم را کار مینداختم اینکار را نمی  
کردم .

بگو الان تو هر کاری عقلت را قوی استفاده کن .

□ کاش تلقین شیطونه

کاش استرس میاره

چیزی که نشد نمیشد بشه

یاد بگیر ذاتت قویتر بشه

□ نگو کاش دکتر رفته بودم دیگه اینطوری نمی شدم و  
دیگه این بیماری را نمی گرفتم .

بگو از این به بعد هر کاری را سر وقتش انجام بده .

□ کاش تلقین شیطونه

کاش استرس میاره

چیزی که نشد نمی شد بشه

یاد بگیر ذاتت قویتر بشه

□ نگو کاش یه خانواده مذهبی داشتم توشون بهتر رشد

می کردم .

بگو با این خانواده می تونم قویتر بشم .

□ کاش تلقین شیطونه

کاش استرس میاره

چیزی که نشد نمی شد بشه

یاد بگیر ذاتت قویتر بشه

□ نگو کاش با ماشین نمی اومدم از مترو استفاده می کردم .

بگو هر وقت ، وقت داشتی از مترو استفاده کن .

□ کاش تلقین شیطونه

کاش استرس میاره

چیزی که نشد نمی شد بشه

یاد بگیر ذاتت قویتر بشه

□ وقتی پیر شدی نگو کاش یه بچه نمیآوردم بیشتر میآوردم ۱۰ تا .

بگو به همه کم بچه ها بچه زیاد بیارن .

□ کاش تلقین شیطونه

کاش استرس میاره

چیزی که نشد نمی شد بشه  
یاد بگیر ذاتت قویتر بشه

□ نگو کاش به جای قلب درد پا درد داشتم .  
بگو رنجم اندازه تو انم ، این بهترین مدله .

□ کاش تلقین شیطونه

کاش استرش میاره

چیزی که نشد نمی شد بشه  
یاد بگیر ذاتت قویتر بشه

خیلی مراقب کاش هایمان باشیم و هر چقدر که کلمه  
هامون رو کنترل میکنیم واقعا داره ذاتمون قوی تر میشه  
و قدرت روحی مون بیشتر میشه .

از حضرت علی داریم سخن زیبا مال و ثروت رو  
افزایش میده، روزی رو زیاد میکنه ، مرگ رو عقب  
میندازه ، آدم رو محبوب میکنه ، دوست رو زیاد میکنه  
، دشمن رو کم میکنه ، اینو توی متن تون دارین

\_بچه ها مرگ رو عقب میندازه\_ شمل مثلاً مقدر شده  
امشب ساعت ۸ شب سخته قلبی و فوت بکنی ، شما  
میای همین امشب ساعت ۷ و ۴۰ دقیقه زنگ میزنی به  
یکی از دوستات ، با خوش اخلاقی شروع میکنی دل به  
دست آوردن ، بعد به خاطر خوش صحبتی که الان  
کردی ، مرگ شما بیست سال عقب افتاد یا مثلاً پدر شما  
داره فوت میکنه ، اصلاً دیگه داره اشهدش رو میخونه ،  
بعد شما میدونی که با عموت چند ساله که قهره، شما  
شروع میکنی چند تا جمله از عمو این مدلی میگی ،  
عمو رو دیدم در مورد شما احساس دلتنگی کرد ، گفت  
دلش برای شما تنگ شده ، بعد اشک های پدر شما  
شروع میشه به جاری شدن و شما اعلام میکنی ، خوب  
چندتا کلمه خوب از عمو بگو ، چیزای خوبی که از عمو  
یادته ، اصلاً همی گویش خوبی که از عمو و این کینه



ای که توی وجودش داره آب میشه رو داره اعلام میکنه، عمرش شروع میکنه به افزایش پیدا کردن ، بعد حالا با یک سیاست هایی هم زنگ میزنی به عمو و میگی عمو بابام دلش برات تنگ شده و بیا چند دقیقه باهات صحبت کن ، بعد با بابات صحبت کن ، بعد دوباره .... ، یه دوپست سال به عمر پدرت اضافه میشه .

چند وقت پیش یه آماری به دستم رسید که تعداد سخته توی آقایون خیلی بیشتر از توی خانم ها، بعد شروع کردم گشتن اینکه توی عموم خانم ها چه صفتی بیشتره از آقایون ؟ دیدم خانم ها هم بیشتر حرف هاشون رو میزنن ، هم توی ارتباطات با همدیگه صمیمی ترند. هم تلاش میکنن بهتر حرف بزنن برای ارتباطات بهتر ، اینو به عنوان درس و آموزش نگفتم ها، برای خودم یه تیک ذهنی بود، برای شما هم یه تحقیق باشه ، میشه رُوش فکر کرد و جای فکر داره .

بریم سراغ آیتم بعدی کلمه ، یکی از چیزهایی که ما خیلی استفاده میکنیم مطلق گویی ، که مطلق گویی باعث

میشه به نعمتی رو ما یکهوایی از دست بدیم و یک نعمت بزرگی رو یکهوایی تبدیل به هیچ کنیم و ما متأسفانه مطلق گویی هامون توی ایران خیلی زیاده ، اما مطلق گویی یعنی چی ؟ لقب دائمی و همیشگی به یه کلمه ای رو دادن به یک حرکت و رفتاری رو دادن ، مثلاً من همیشه ازت ناراحتم ، تو همیشه یه کاری میکنی که منو به هم بریزی ، تو همیشه حرص منو در میاری ، همیشه کار من میخوره به دقیقه ۹۰ ، همیشه وقتی به کمکت احتیاج دارم نیستی ، ما که هیچ وقت شانس نداریم ، من که هیچ وقت دستم نمک نداره ، ما که هیچ وقت شما رو نمی بینیم شما ستاره سهیل شدی ، همش هوای تهران کثیف ، هر مسئولی که میاد از مسئول قبلی بدتر ، همیشه اوضاع گذشتگان ما بهتر از اوضاع الان ماست ، هیچ وقت نشد از ته قلبم شادی کنم ، همیشه همه چیز داره گرون میشه ، همیشه تورم، ما که هیچ وقت ارزونی ندیدیم، تو همش داری با اعصاب من بازی میکنی، این مدل گویشی رو که الان رفتیم همش شد مطلق گویی منفی، ما با مطلق گویی کردن داریم ادامه

دادن خیر رو از خودمون قطع میکنیم و با مطلق گویی منفی، با مطلق گویی منفی داریم داریم ادامه خیر رو از خودمون قطع میکنیم و متأسفانه داریم کل نعمتی رو که به ما رسیده رو یهویی نابود میکنیم ، قسم خوردن هم نوعی مطلق گویی محسوب میشه ، ما زمانی که داریم قسم می خوریم رسماً داریم مطلق گویی میکنیم .

توی زمان امام حسن عسکری علیه السلام شخصی اومد پیش امام و به امام گفت به خدا پول ندارم، به خدا فقیرم، کمک کنید ، امام علیه السلام دو بار بهش گفتن باشه من که دارم کمکت میکنم قسم نخور ، باز هم ایشون قسم خورد ، قسم میخورد به خدا راست میگم ندارم ، بعد دوبار امام بهش گفتن تو هرگز از مالی که داری نمی تونی بهره ببری ، بعد ایشون دقیقاً مالی رو که جمع میکنه ، روزی که احتیاج داره میره برداره می بینه هیچیش نیست و پسرش همه رو خورد خورد خرج کرده، مطلق گویی اینجوریه .

خانمی که میگفت من مدام بچه هام موقعی که روی مغزم راه میرفتن ، مدام اینو می گفتم، همش شیطونی

میکنید همش ، همش انرژی منو می گیرید ، چرا هیچ وقت شما آروم نمی گیرید بشینید ، چرا اصلاً آروم و قرار ندارید ؟ بعد خانم میگه با مطلق گویی من متوجه شدم ! خودم مرتب دارم تداوم شیطننت رو توی بچه هام اضافه میکنم و اون زمان هایی رو هم که آرامش دارن رو دارم با کلمه ام ازشون دفع میکنم ، شروع کردم ، خدایا شکرت بابت زمان هایی که آروم نشستن و بعد معکوسش زمان هایی که خودشون داشتن کار میکردن ، آخیش همش نشستن دارن کار انجام میدن

ما خونه یکی از دوستان رفتیم پسر بچه شش ساله اش مدام با یکسری وسایل بازی مشغول بود بهش گفتیم ماشاءالله چقدر پسرت خودش سر خودش رو گرم میکنه گفت آره این همیشه عشق اینجور وسایل بازی رو داره اصلاً بگذار جلوش ده ساعت تنها باشه راحتِ راحت ، بعد این قشنگ معلوم بود اثر لغاتش ، اثر کلمه هایی که داره اعلام میکنه محصولش شده این .

ما از حضرت علی داریم عالمانه سخن بگو ، قدر و منزلتت روشن بشه ، مطلق گویی مثبت عالمانه سخن

گفتن ، مطلق گویی منفی جاهلانه سخن گفتن ، قدر و منزلت آدم رو توی جهان از بین میبره .

یک کار خوب به پستش خورده داره میره برای مصاحبه ، توی راه داره فکر میکنه این یکبار هم که شانس به ما رو آورد ها نکنه یه وقت مثل همیشه که ما شانس نیاوردیم این دفعه هم بپره ، خوب عزیز من شما با این گویشی که داری اصلاً برای چی داری میری مصاحبه ؟ اصلاً این گویش شما معلومه که کاره از دستت رفت .

عشقم عزیزم به کلمه هات مربوطه اتفاقات آینده ات ، تو داری با کلمه هات آینده ات رو پیش گویی میکنی ، تلاش کنیم همه مطلق گویی های منفی مون رو تبدیل کنیم به مطلق گویی مثبت ، تو همیشه هوای منو داری ، تو همیشه کمک من میکنی من بهتر حرف بزنم ، تو همیشه آرامش خودت رو حفظ میکنی برای من ، تو همیشه برای من خوراکی های خوشمزه میخوری ، تو همیشه آن تایمی ، همیشه خدا به مردم تهران یه لطف ویژه داشته ، همیشه من محافظ دارم فرشته نگهبان دارم ، همیشه امام زمان داره برای پن برنامه ریزی میکنه ،

همش جهان هستی مراقب منه ، همه زمین و آسمون دارن برای من کار انجام میدن، بچه ها مطلق گویی مثبت کنیم ، یعنی چی ؟ همه آدم ها دزد شدن؟

خانمی رو داشتم که از فرط گویش مطلق گویی منفی ، همه آدم ها نابابند، همه آدم ها دزدند، همه آدم ها بیماری روانی دارن ، همه ی آدم های این زمان حالشون خوب نیست، توی ساختمون خودشون سه نفر قمه کشیدن روی همدیگه ، که دیگه خانم خواب راحت نداره ، شب چهار قفله میکنه همه جا رو باز هم نمیتونه راحت بخوابه، بین عزیز من این خانم این اوضاع رو خودش سمت خودش کشیده ، حالا من برعکس ، من همیشه می گفتم ، من همش همسایه های خوب دادم ، همش کسای کنارمند که خیلی هوای منو دارن ، همیشه دنیا اونجوریه که من دلم میخاد ، همش به چیزایی که میخام دارم میرسم ، همه آدم های اطرافم با من همراهند ، البته خوب هیچ کدوم اینا واقعیت نیست ها ، یعنی درصدی توی هر کدوم از اینا منفی هم وجود داره ، مثلاً پدر من خیلی از اوقات همراه من نیست ، اما خیییییلی از اوقات

همراه منه، این خیلی دوم رو به خاطر اثر کلمه ام گفتم که خیلی اولم رو از بین ببره ، بچه ها مهم نیست واقعیت شما و واقعیت زندگی شما چیه ، مهم اینه شما از اتفاقات زندگی تون کدوم هاش رو به زبون میارید و بزرگ میکنین ، هر چیزی رو که شما اعلامش میکنی توی زندگیته داره بزرگ تر میشه و جاری میشه .

خانم جباری ما شنیدیم خیلی ها به خاطر این که چشم نخورن خیلی از امتیازاتی رو که دارن نمیگن ما این رو خیلی از قدیمی هامون شنیدیم ، عزیزم برعکس برعکس ما داشتیم خانمی که برای این که چشم نخوره ، با اینکه پولدار ، ثروتمند بوده ، همیشه می گفته نداریم ، نداریم ، بعد کار همسر هم آباد نیستش اتفاقاً ، شرایط یواش یواش همه چیزشون رو از دست میدن ، به خاطر کلمه اش بوده و ترسش از اینکه چشم نخوره .

شما مطلق گویی مثبتت رو بکن ، چیزهای خوب زندگیته رو برای کسی که دوستت دارن ، بدخواه مدخواهت نیستن، برای اونها بگو پشت بندش هم ماشاءالله بگو ، و پشت بندش هم از زندگی خوب آدم ها

اتفاق بکش بیرون ، خوب خاله جان شما چیزهای خوب  
زندگیت رو برام بگو ، بگذار یک چرخه نیکویی،  
چرخه زیبایی کلام توی زندگی همه ما ها جاری بشه،  
پس با قدرت کلامتون به خیلی از چیزایی که میخاید باید  
برسید، این جمله ها رو قشنگ گوش بدید و قشنگ توی  
زندگی تون پیاده اش کنید ، روزانه اصلاً با خودتون  
تکرارش کنید .

من با قدرت کلامم:

○ کی دو تا فرشته ی نگهبان داره؟

● من

○ چطور ابر قدرت بشم؟!

● با قدرت کلامم، کلمات قوی و مثبتم

○ امام زمان برای کی شب قبل برنامه ریزی فرداش رو  
میکنه؟

● من

○ چطور تمرکز رو قوی کنم و قدرداتش باشم !?



● با قدرت کلامم، کلماتِ قوی و مثبتم

○ کس دو تا فرشته ی نویسنده ی اعمال داره ؟

● من

○ چطور اعمالم رو قوی کنم چطور از زندگیم لذت  
بیشتر ببرم !؟

● با قدرت کلامم، کلماتِ قوی و مثبتم

○ کی هر لحظه حرکاتش ضبط میشه از بس قدرت داره  
؟

● من

○ چطور به هر چی میخوام برسم!؟

● با قدرت کلامم، کلماتِ قوی و مثبتم

○ برای کی جهان خلق شده ؟

● من

○ چطور حضور در لحظه ام رو در جهان بیشتر کنم!؟

● با قدرت کلامم، کلماتِ قوی و مثبتم

○ زمین برای کی میچرخه؟

● من

○ چطور هوش فرزندانم رو در زمین بیش تر کنم؟!

● با قدرت کلامم، کلمات قوی و مثبتم

○ برای کی خورشید طلوع میکنه؟

● من

○ چطور با آرامش بیش تر زندگی کنم؟!

● با قدرت کلامم، کلمات قوی و مثبتم

○ کی اشرف مخلوقاته؟

● من

○ چطور تاثیرگذار تر باشم در جهان؟

● با قدرت کلامم، کلمات قوی و مثبتم

○ کی خودسازی قوی بکنه از فرشته ها مقامش بالاتره؟

● من

○ چطور روح شفاف تر بشه به خدا نزدیک تر بشم؟!!

● با قدرت کلامم، کلمات قوی و مثبتم

○ کی اثر کلامش در شرق و غرب عالم می چرخه؟

● من

○ چطور خلاقیتیم بیشتر بشه؟!!

● با قدرت کلامم، کلمات قوی و مثبتم

○ خدا برای کی این کلاس رو طراحی کرده؟

● من

○ چطور ثروتم رو برای خدا بیشتر کنم؟!!

● با قدرت کلامم، کلمات قوی و مثبتم

((امام سجاد علیه السلام میفرمایند ؛

مومن سکوت میکنه تا سالم بمونه ، سخن

میگه تا سود بیره .)) اصلا صحبت کردن رو آیتمی برای

سود به دست آوردن اعلام کردند.

چجوری سرمایه تو بورس میزاری سود کنی ، کلامتو  
یه جوری استفاده کنی سود مطلق باشه.

این میشه علامت مومن. چرا باید از خارج از کشور خانم  
فلورانس اسکاول شین ، آقای جوئل استین □ □

اینا بیان کتاب برای ما بنویسند اثر کلمات ، مراقب  
کلمات خودت باش که چه میگویی..

بعد محصول هم دیده باشه ، خودش با کنترل کردن کلمه  
هاش بیماران متفاوتی رو معالجه کرده باشه ، خودش با  
آموزش دادن کلمات به دیگران کمک اون ها کرده باشه  
که زندگی بهتری رو برای خودشون بسازن.

بعد ما ، ماهایی که ۱۴۰۰ ساله دین غنی اسلام و داریم  
ما حواسمون به این نباشه که میتونیم با کلمات قوی  
ترمون و کنترل کلمه های بیشترمون ، با مطلق گویی  
مثبتمون ، قدرت درونی خودمون رو فوق العاده بالا  
ببریم در جهان؟؟ حواستو جمع کن چی داری میگویی!!!??

تو خلق شدی قدرت کلام بهت دادن با کلمات سود آوری  
کنی در هستی.

ما حرف که میزنیم با لغتمون داریم جان میبخشیم به یک مخلوق مرده.

کلمات ما مخلوقات ما هستن .ما توانایی اینو داریم که زندگی سرشاری رو واسه خودمون پر از نعمت و پر از هدایای ویژه تو زندگی خودمون جاری کنیم با کلمه های بهترمون.

بچه ها ۲۰ سال آینده وقتی ما میخوایم از زیبایی های امروزمون بگیم از چیزایی میگیم که الان داشتیم ، مثلا :اون موقع مو داشتم

اون موقع موهام اینجوری بود

اون موقع اندامم اینجوری بود یعنی از زیبایی که اکنون داریم به عنوان خوشی یاد میکنیم ، یعنی ۲۰\_ ۳۰ساله آینده چیزایی که اکنون من دارم به عنوان نعمت بشمار که خاطره خوش به من میدهد ازش یادآوری میکنم.خب چرا امروز نباید همون هارو بزرگ نمایی کنم؟؟

خب چرا امروز نباید از همون ها لذت زیاد ببرم؟؟

میدونید حکایت ما چیه؟؟ مثل حکایت آدمی که چشم داره ، بعد که چشمش مشکل پیدا میکنه میگن چشمتو باید جراحی بکنی اصلا دیگه این چشم نمیبینه ، بعد شروع میکنه های های گریه کردن ، ماه ها عمر خودش رو تلف میکنه سر این چشم ، گریه میکنه ، بعد که بهش میگن با این اتفاق با این عمل جراحی چشمت خوب میشه و روزی که چشمش سالم میشه میاد بیرون متوجه میشه آخیش دیگه ازین به بعد راحت میتونم ببینم اون روز چقدر احساس خوب داره؟؟ چقدر خوشحالی عجیب داره؟؟

چقدر نیروی فوق العاده خوب داره؟؟ خب عزیز من شما یک سال پیش هم که این بیماری رو نداشتی میتونستی همین جوری خوشحال باشی .

■ □ شما همین الان که چهارستون بدنته میتونی یه وجد خاص از سلامتیت تولید کنی.

سلامت شما یک سرمایه ی چند هزار میلیاردیه تو شما.

هرکدوم از اعضای بدنتون بیمار که بشه ،

چند صد میلیون تومان باید هزینه بشه تا اونو برگردونی..

دستت قطع بشه دیگه هر میزان پولی رو هم که بدی نمیتونی اون دستوقطع شده رو برگردونی.

بعد ماها چه سرمایه ی عظیمی داریم ؟!!!

تک تک نعمت هایی که داریم خب الان با این نعمت ها خوشحالی کن.

چرا بزاری ۳۰ سال آینده بابت چیزایی که امروز داشتی خوشحالی کنی؟

■ اصلا مهم نیست تو زندگی ماها چقدر مسئله وجود داره ، مهم اینه ما با یک ذره بین ، ذره بین کلاممون بندازیم تو قسمت های خوبی که داریم و اون قسمت هارو بزرگ نمایی کنیم .

((پدر من اصلا محل من نمیگزاره ،

اما آدم شریفیه ، رو این شریف بودنش بزرگنمایی کن  
اصلا کلمه بزار :

خدایا شکر بابت شرافت من ،بابا جون متشکرم بابت  
اینکه انقدر مرد شریفی هستی.))

و ما با این ذره بین بزرگ نمایی به وسیله ی لغاتمون،  
کلماتمون ، داریم سد مسائل رو میشکنیم و سیل نعمت را  
تو زندگیمون جاری میکنیم.پس خیلی حواسمون به مطلق  
گویی هامون باشه..مثلا ما اگر بخوایم یه کلمه ی منفی  
رو نمره بدیم □ منفی ۱۰ ، شما الان برگشتی گفتی :  
من شانس ندارم منفی ۱۰

□ حالا اگر میگی همیشه شانس ندارم : منفی ۱۰۰ .

مطلق گویش شد ده برار تازه شایدم بیشترهااا ..

□ اگر کسیو مسخره میکنی یا لعنت میکنی : منفی ۶۰۰  
منفی ۸۰۰

□ اگر غیبت میکنی ، منفی ۱۰۰۰

□ اگر دروغ میگی منفی ۷۰۰۰۰ هزار



والای خانم جباری اینا که خیلی نمره هاش از مطلق گویی وحشت ناک تره ، بله متاسفانه ، انشاءالله روزی جهان علم به جایی برسه که بتوانند ، یه مسخره ای که یه نفرو کرد عدد سیاهی که دور اون جمع میشه ، تشعشع منفی که توی اون بوجود میادو اندازه گیری کنن یا عدد یه دروغی که یه نفر میگه بعد با اون سیاهی با اون حجم خرابی که تو ذات یکی خلق میشه بعد بتونن عدد بدن ، الان شما مطلق گویی کردی چقدر ازت برداشته شد؟؟ شما دروغ گفتی چچچقققدر از کم شد ؟ !!

■ یعنی اگر کسی از شماها داره کار میکنه روی خودش الان میخواد مطلق گویی و منفی گویشو حذف کنه بعد میبینه که خب نه من خیلی دروغ و غیبت دارم ، این آدم هم منفی گویی و مطلق گویشو شروع کنه حذف کردن هی هم به خودش تلنگر بزنه ؛

هر بار که مطلق گویشو کم کردبه خودش اعلام کنه که :

((ببین ، پس صادق باش ، حسن ظن دیگرانو بگوپس تا میتونی خوبی بقیه رو بگو...))

پس تا میتونی با گفتن خوبی بقیه تمام انرژی رو آزاد کن))

از امام صادق علیه السلام داریم :

سخنی که دوست داری مردم به شما بگن ،

شما به اون ها بگو . از امام علی علیه السلام داریم : آنچه که دوست نداری دربارت بگن ، توام درباره دیگران نگو... این یعنی : شما دوست نداری درباره شما، پشت سر شما غیبت کنن ، توام پشت سر کسی غیبت نکن.

■ بچه ها ما به محض گفتن یک غیبت از کسی ، داریم در جهان هستی اعلام میکنیم : از شخصیت خودمون پشت سر من حرف بزنن.

خودت داری اعلام میکنی با عمل خودت.

حالا معکوس : اگر دارند در مورد کسی صحبت میکنن شما دفاع میکنی ، شما کمک میکنی که نگن ،

شما مستقیم بهشون میگید بچه ها شما هرچی که میگید  
من میرم به خودش میگم ها ، میگم فلانی

این حرفو پشت سرت زده ، بدون من میرم میگم.

که باعث بشی اون آدم نگه ، این دفاعی که میکنی داری  
اعلام میکنی در جهان هستی :

که هر کسی پشت سر من حرف زد بقیه دفاع کنن.

■ ■ جهان هستی انعکاس آنچه را که خودت میفرستی به  
تو برمیگرداند ، پس تا میتوانی یک جور دیگه به دین  
نگاه کن . اصلا قشنگ نیست که دین مارو واسه آخرت  
ما برای ما معنی میکنن . دین ما اومده دنیای قشنگ تر  
برای ما بسازه . ■ □ الان علم روانشناسی به این نقطه  
رسیده یک نفر موقعی که داره دروغ میگه داره با اون  
دروغ استعداد های درونی ، اعتماد به نفس ، آرامش ،  
تمام ویژگی های خوب خودشو داره نابود میکنه . چون  
دروغ گفتن ریشه تو نیستی داره ، من با چیزی که نیست  
دارم برای خودم هویت میسازم و چیز هایی که هست را  
نمیبینم ، ما به این میگیم متلاشی کردن ذات یک دروغ

داره میگه ذات خودشو داره متلاشی میکنه ، بعد این آدم  
میگه من چرا احساس ارزشمندی به خودم ندارم؟ چرا  
حسم از خودم خوب نیست؟؟ چرا نمیتونم خودمو دوست  
داشته باشم!! چرا همیشه فکرمیکنم مرغ همسایه غازه  
؟؟ بعد اصلا متوجه نیست اثر کلامت دروغش ذات  
خودش رو اینجوری انقدر خراب کرده ، بعد حالا انقدر  
ما دروغ رو دینیش کردیم که نه تو دین ما آدم دروغگو  
اینجوری اونجوری....بابا!!!!!!؟ به دین کاری نداشته  
باش ، ● بیا با روانشناسی بگو.. آدمی که صادقِ روحش  
سالم تره. آدمی که صادق از خودش احساس بهتری داره  
آدمی که صادق اعتماد به نفس بیشتری داره. آدمی که  
صادق استعداد های درونیش رو خیلی سریع تر راحتتر  
میتونه پرورش بده. بگذریم ولش کنید طولانی شد ،  
انشاءالله بقیش برای هفته آینده. امیدوارم هفته ای پر از  
برکت ، نعمت ، سرشار از عشق و محبت دریافت بکنید

دعای فرج با هم دیگه میخونیم. امیدوارم گویش ها  
و کلماتتون به اندازه یک سخنران ویژه در زمان ظهور  
قدرت بگیرد.

موفق باشین تا هفته آینده خدا نگهدار.